





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان و ادبیات
گروه ادبیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

سبک‌شناسی مقایسه‌ای تمهیدات و لوايح با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا

استاد راهنما
دکتر طاهره ایشانی

استاد مشاور
دکتر یحیی مدرسی

پژوهشگر
نازنین توتونچیان

اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

عین القضاة همدانی یکی از تأثیرگذارترین نویسندگان ادبیات فارسی در حوزه‌ی اندیشه و بیان بوده و از این‌رو مانند هر نویسنده‌ی بزرگ دیگر بعضی از آثار به وی منسوب شده است. این پژوهش به بررسی سبک‌شناختی مقایسه‌ای یکی از مهم‌ترین تألیفات قاضی یعنی تمهیدات و یکی از آثار منتسب به وی یعنی لوائح اختصاص داشته و در پی یافتن صحت این انتساب است. رساله حاضر با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا در حوزه‌ی فرانقش متنی و با تکیه بر نشان‌داری آغازبخش حدود ۱۵۰۰ بند از هر کتاب را مورد بررسی قرار داده است. فصل اول به بیان کلیات پژوهش و فصل دوم به زندگینامه و وجوه فکری خاص عین القضاة می‌پردازد. فصل سوم شامل مبانی نظری پژوهش درزمینه‌ی سبک‌شناسی و زبان‌شناسی نقش‌گراست و در نهایت فصل چهارم به تحلیل و نتیجه‌گیری اختصاص یافته است. طبق یافته‌های پژوهش و با تکیه بر نشان دار بودن آغازبخش در ساخت جملات عین القضاة و بی‌نشان بودن آن در جملات کتاب لوائح و دیگر شواهد سبکی، این اثر نمی‌تواند از آثار عین القضاة باشد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی. زبان‌شناسی نقش‌گرا. نشان‌داری آغازبخش. تمهیدات. لوائح

فهرست مطالب

۱. فصل اول: کلیات

۱. ۱ مقدمه.....	۲
۱. ۱ ۲ بیان مسئله	۵
۱. ۱ ۳ ضرورت پژوهش.....	۸
۱. ۱ ۴ سوالات پژوهش.....	۹
۱. ۱ ۵ فرضیه‌های پژوهش.....	۹
۱. ۱ ۶ پیشینه‌ی پژوهش.....	۱۰
۱. ۱ ۷ تعریف مفاهیم بنیادین پژوهش.....	۱۶
۱. ۱ ۸ ساختار پژوهش.....	۱۶

۲. فصل دوم: درباره‌ی عین القضاة

۲. ۱ زندگی‌نامه.....	۱۸
۲. ۲ آثار عین القضاة.....	۲۱
۲. ۲ ۳ آثار منسوب به عین القضاة.....	۲۴
۲. ۲ ۴ اندیشه‌ی عین القضاة.....	۲۶
۲. ۲ ۴ ۱ تاثیرپذیری از قرآن.....	۲۶
۲. ۲ ۴ ۲ ابلیس‌شناسی.....	۲۸
۲. ۲ ۴ ۳ یکسانی مذهب.....	۳۱
۲. ۲ ۴ ۴ عادت‌ستیزی.....	۳۲
۲. ۲ ۵ سرانجام عین القضاة.....	۳۳

۳. فصل سوم: مبانی نظری پژوهش

۳. ۱ سبک.....	۳۸
۳. ۲ سبک‌شناسی.....	۴۱
۳. ۲ ۱ اسپر سبک‌شناسی در غرب.....	۴۳

۵۰.....	۲.۲.۳ سبک‌شناسی در ایران.....
۵۴.....	۳.۲.۳ سبک دوره و سبک شخصی.....
۵۶.....	۴.۲.۳ سبک و انحراف از معیار.....
۵۹.....	۳.۳ زبان‌شناسی نقش‌گرا.....
۶۲.....	۳.۳.۱ فرانقش‌ها.....
۶۳.....	۳.۳.۱.۱ فرانقش تجربی.....
۶۴.....	۳.۳.۱.۲ فرانقش بینافردي.....
۶۵.....	۳.۳.۱.۳ فرانقش متنی.....
۶۷.....	۳.۳.۱.۳.۱ آغازبخش.....
۷۴.....	۳.۳.۱.۳.۲ اطلاع کهنه و نو.....
۷۵.....	۳.۳.۱.۳.۳ انواع بند در فرانقش متنی.....

۴. فصل چهارم: تحلیل و نتیجه‌گیری

۷۸.....	۴.۱ روش انجام پژوهش.....
۷۹.....	۴.۲.۱ تحلیل نحوی تمهیدات و لوايح.....
۸۰.....	۴.۲.۲ آغازبخش نشان‌دار.....
۸۵.....	۴.۲.۲.۲ آغازبخش مرکب.....
۸۸.....	۴.۲.۳ فعل.....
۹۲.....	۴.۲.۴ شبه جملات و اصوات.....
۹۴.....	۴.۲.۵ نوع جملات.....
۹۶.....	۴.۳ تحلیل جهان بینی عين القضاة (از طريق نحو).....
۱۰۱.....	۴.۴ نتیجه‌گیری.....

فهرست

۱۰۶.....	منابع.....
۱۱۱.....	ضمیمه ۱ پژوهش.....
۱۴۵.....	ضمیمه ۲ پژوهش.....

فهرست جداول و نمودارها

- جدول ۱-۳ (Thompson.2004.158)..... ۶۷
- جدول ۲-۳ (Thompson.2004.160)..... ۶۸
- جدول ۳-۳ (Halliday.2004.78)..... ۶۹
- جدول ۳-۴ انواع آغازبخش در جملات خبری..... ۷۰
- جدول ۳-۵ انواع آغازبخش در جملات پرسشی..... ۷۱
- جدول ۳-۶ انواع آغازبخش در جملات امری..... ۷۱
- جدول ۳-۷ انواع آغازبخش در جملات نقل قولی..... ۷۲
- جدول ۴-۱ توزیع فراوانی و درصد بندهای نشان‌دار در دو کتاب تمهیدات و لوايح..... ۸۰
- جدول ۴-۲ توزیع فراوانی و درصد بندهای شامل آغازبخش آیه قرآن و حدیث..... ۸۰
- جدول ۴-۳ توزیع فراوانی و درصد بندهای شامل آیه قرآن در دو کتاب تمهیدات و لوايح..... ۸۳
- جدول ۴-۴ توزیع فراوانی و درصد بندهای مرکب در دو کتاب تمهیدات و لوايح..... ۸۴
- جدول ۴-۵ توزیع فراوانی و درصد برخی حرف ربط در دو کتاب تمهیدات و لوايح..... ۸۶
- جدول ۴-۶ توزیع فراوانی و درصد افعال مخاطب در دو کتاب تمهیدات و لوايح..... ۸۹
- جدول ۴-۷ توزیع فراوانی و درصد شبه جملات و ندا در دو کتاب تمهیدات و لوايح..... ۹۱
- جدول ۴-۸. توزیع فراوانی و درصد بکارگیری واژه ی قرآن در دو کتاب تمهیدات و لوايح..... ۹۸
- جدول ۴-۹ توزیع فراوانی و درصد موارد بررسی شده در دو کتاب تمهیدات و لوايح در یک نگاه..... ۱۰۴
- نمودار ۳-۱ انواع آغازبخش..... ۷۳

سبک‌شناسی را می‌توان بی‌اقبال‌ترین حوزه‌ی ادبیات فارسی دانست. با مقایسه‌ی سطحی بین پژوهش‌های انجام‌شده در سایر حوزه‌های ادبیات فارسی و پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی سبک‌شناسی صورت گرفته این عدم استقبال را به‌وضوح می‌توان دید. این در حالی است که سودمندی این روش در مطالعات ادبی بر همگان مسلم است.

ادبیات فارسی در طول تاریخ خود همواره با انتساب‌های نادرست آثار به نویسندگان طراز اول روبه‌رو بوده است. این امر در گذشته بیشتر به سبب حفظ یک اثر یا به دلیل تصورات نادرست کاتبان آثار صورت می‌گرفت. این امر امروزه نیز به نحوی دیگر در جریان است. آنچه اکنون با آن مواجهیم رواج و نشر متون و اشعار درجه‌دو و سه به نام بزرگان ادبیات فارسی در فضای مجازی است که با توجه به استقبال مردم از این شیوه‌ی مطالعه می‌تواند موجب وارد شدن آسیب‌های جدی به ادبیات فارسی شود.

متأسفانه این معضل به همین نقطه ختم نمی‌شود بلکه وخامت اوضاع وقتی نمایان می‌شود که فرهیختگان ادبیات فارسی نیز بدون ارائه دلایل منطقی و سبک‌شناختی اثری را به نویسنده‌ای بزرگ منسوب می‌کنند؛ گویی برای سخن گفتن در این حوزه نیازی به ارائه‌ی مستندات نیست. آنچه گفته شد تنها گوشه‌ای از پیامدهای بی‌توجهی به سبک‌شناسی است. علاوه بر این‌ها پژوهش در این زمینه خود با مشکل عمده‌ای روبه‌روست و آن نحوه‌ی انجام سبک‌شناسی است. در این باره دو دیدگاه وجود دارد: یکی دیدگاه سنتیان نسبت به تحقیق در این حوزه است که هیچ‌گونه نوآوری را پذیرا نیستند و از طرفی عده‌ای دیگر کاملاً به نظریات غربی پایبند بوده و با سعی در منطبق کردن این نظریات بر متون ادبی به نفی سنت ادبی می‌پردازند. در این بین دانشجوی ادبیات فارسی ناگزیر به انتخاب یکی از این دو روش است زیرا دوره‌ی کارشناسی ارشد مجالی برای ارائه‌ی نظریات دانشجو نبوده و نیست و من هنوز معتقدم که نگارش پایان‌نامه ارشد در بازه‌ی زمانی یک سال و با آن چهارچوب‌های خشک و بی‌معنی‌اش نتیجه‌ای جز یک پژوهش ابر و ناقص نمی‌تواند داشته باشد و این پژوهش نیز مستثنا از غیر نیست.

موضوع این پژوهش در کلاس‌های سبک‌شناسی دکتر موسوی در دانشگاه تهران شکل گرفت. زمانی که به مطالعه‌ی آثار عین‌القضات مشغول بودم و با مطالعه‌ی لوایح دریافتم که این کتاب بسیار دور از اندیشه و

زبان قاضی است. این کتاب بدون مقدمه و شرح نسخه‌بدل توسط فرمنش به چاپ رسیده است. این در حالی است که عقیق عسیران که یک غیر ایرانی است مقدمه‌ای مفصل و پر بار بر تمهیدات نوشته و در آنجا اشاره کرده است که انتساب لوایح به عین القضات از سوی فرمنش نمی‌تواند درست باشد.

در انتها باید بیان کنم که با وجود این مسیر دشوار از زمان انتخاب رشته‌ی ادبیات فارسی تا امروز بسیار خوش‌اقبال بوده‌ام و همواره در این مسیر با انسان‌های آگاه و دلسوز برخورد داشتم. پیش از هر چیز باید از خداوند منان سپاس‌گزار باشم که مرا به مسیر ادبیات فارسی و به‌خصوص ادبیات عرفانی رهنمون شد و دری پربرکت به روی زندگی‌ام گشود و پس از آن بر خود واجب می‌بینم از پدر و مادرم تشکر کنم که همواره مشوق من در این مسیر بوده‌اند. همچنین تشکر ویژه‌ای دارم از برادر و خواهرم که اگر نبودند شاید هرگز علاقه به ادبیات فارسی در وجودم ریشه نمی‌گرفت. همچنین سپاس‌گزارم از دکترایشانی عزیز که با سعه‌ی صدر فراوان خود همواره موجب آرامش خاطر من بودند و همواره با تشویق و ایجاد انگیزه باعث دلگرمی من شدند. سپاس گذارم از استاد محترم جناب دکتر مدرسی که بر من منت نهاده مشاوره‌ی این رساله را بر عهده گرفتند و در طول این مدت بوسعید وار به ارشاد و راهنمایی من پرداختند. بر خود لازم می‌بینم از دوست بزرگواری آقای علیرضا فتاح تشکر کنم که با وجود مشغله‌ی فراوان دست‌نوشته‌های این‌جانب را خوانده و نکات دقیقی را یادآور شدند. همچنین متشکرم از دوست فرزانه‌ام خانم آزاده شریفی که در طول این پژوهش همواره به طرق مختلف کمک‌های شایان توجهی به من نمودند و در پایان متشکرم از تمام کسانی که در این مسیر همراه من بودند.

فصل اول: کلیات

۱- مقدمه

واضح است که ادبیات سرشتی زبانی دارد و زبان همچون ماده‌ی ادبیات است؛ اما همه به خوبی می‌دانیم که ادبیات را نمی‌توان همان زبان محسوب کرد. ادبیات نیز مانند هر هنر دیگر خاصیت ابهام گونه‌ای دارد و زیبایی آن در ابهامش نهفته است؛ گویی ادبیات در بستر زبان و از مادر زبان زاییده می‌شود و سپس رشد می‌یابد و به تکامل می‌رسد و در نهایت خویشتن خویش را می‌آفریند؛ این آفرینش در ادامه، خود سبب تغییر در سیر زبان می‌شود؛ اما ادبیات هرچه که باشد هنری است که در ماده‌ی زبان رخ می‌دهد. ماهیتی گونه‌گون که دارای ذاتی واحد است. هدف زبان‌شناسی در بررسی ادبیات نیز تحلیل همین بستر خاص و نشان دادن چگونگی زبان در یک متن ادبی است. پس وجهی ندارد اگر بگوییم زبان‌شناسی توانایی بررسی ادبیات را ندارد. شاید این نوع تحلیل برای ادبیات، جامع همه‌ی ویژگی‌های آن نباشد اما به سبب علمی بودن و داشتن ساختاری دقیق می‌تواند ابزار مناسبی برای تحلیل متن ادبی باشد زیرا دلایلی متقن برای اثبات مدعای خاص در مورد یک متن ادبی به دست می‌دهد.

تقریباً از زمانی که علم زبان‌شناسی در بررسی‌های ادبی بکار گرفته شده است، سودمندی و درست بودن استفاده از چنین ابزاری در جهت بررسی متون ادبی همواره مورد بحث و مناقشه هم از سمت زبان‌شناسان و هم از سوی منتقدان ادبیات بوده است. برای مثال راجر فالر معتقد است « ادبیات همان زبان است و هیچ لزومی ندارد فرض کنیم حتماً نوعی ویژگی ادبی تجریدی در فراسوی وسیله‌ی بیان وجود دارد» (۱۳۹۰: ۲۵) و از سوی دیگر بعضی منتقدین ادبی مانند دیوید لاج مخالفت خود را در رد امکان پیوند میان زبان‌شناسی و ادبیات چنین بیان می‌کنند «هنوز هم مجبوریم بگوییم که دانش زبان‌شناسی هرگز نمی‌تواند جایگزین نقد ادبی شود یا مبانی ادعای آن را دال بر اینکه شکل مفید و معنی‌داری از پژوهش انسانی است، دگرگون کند. ویژگی ذاتی زبان‌شناسی جدید ادعاهای آن درباره‌ی علمی بودنش است. حال آنکه ویژگی ذاتی ادبیات این است که با ارزش‌ها سروکار دارد و ارزش را نمی‌توان با شیوه‌ی علمی سنجید.» (فالر، ۱۳۹۰: ۲۰)

از طرفی ادبیات در بررسی‌های دستور زبان همواره مورد توجه دستور نویسان بوده است و اگر این دسته را اولین زبان‌شناسان تاریخ در نظر بگیریم مطالعه زبان‌شناسانه‌ی ادبیات به قرن‌ها پیش برمی‌گردد چنان که در کتاب فن دستور، تراخس پس از دسته‌بندی دستور زبان به شش بخش، ادبیات را ارجمندترین و شریف‌ترین بخش دستور زبان می‌داند. (روبینز، ۱۳۹۲: ۸۲)

با وجود این سرانجام در زبان‌شناسی نوین، نقد صورت‌گرایان روس و نیز ساخت‌گرایان فرانسوی که اساساً محور ادبیات را بر شکل زبان استوار می‌کردند، راه را برای ورود زبان‌شناسی به ساحت ادبیات گشود. در این چارچوب، کوشش‌های اندیشه‌گر برجسته روس رومن یاکوبسن که در هر دو حوزه‌ی زبان‌شناسی و نقد ادبی آثاری ماندگار به جای گذاشته است، در تثبیت مشروعیت نگاه زبان‌شناسانه به ادبیات نقشی بنیادین داشت. به باور او زبان‌شناسی که به نقش ادبی زبان بی‌توجه باشد و ادیبی که به مسائل زبانی بی‌اعتنا و از روش‌های زبان‌شناختی ناآگاه باشد، هر دو به یک اندازه و آشکارا با زمان خود ناسازگارند. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۳)

امروزه تاثیر مطالعات زبان‌شناسی و سودمند بودن آن در بررسی ادبیات و پیشرفت سبک‌شناسی از این نظر بر همگان مسلم شده است. تحلیل‌های زبان‌شناسی می‌تواند موشکافانه پوسته‌های زیرین هر متن و ویژگی‌هایی را که ممکن است از دید یک خواننده‌ی عادی ادبیات پنهان بماند مورد بررسی قرار دهد. از دید یک زبان‌شناس هیچ‌وجهی از زبان کیفیتی خنثی ندارد و تمام الگوهای دستوری در آفرینش معنا مؤثرند. این انتخاب است که سبک خاص یک متن را رقم می‌زند انتخاب از یک الگوی ساختاری ویژه یعنی زبان. زبان به‌عنوان ماده‌ی اولیه‌ی ادبیات باید بی‌نقص و یکپارچه باشد همان‌طور که کیفیت به‌کارگیری مواد اولیه در هنرهای دیگر بر درجه‌بندی آن هنر مؤثر است، استحکام زبانی نویسنده نیز در آفرینش اثر ادبی تأثیری غیرقابل‌انکار دارد. هدف از به‌کارگیری زبان‌شناسی در ادبیات نیز نشان دادن این تأثیر و نیز ارائه تفسیری عینی و دقیق با روشی نظام‌مند است. بنابراین، تحلیل متن توسط رویکردهای زبان‌شناسی نه تنها نقضی به پیکره‌ی ادبیات وارد نمی‌کند بلکه درهای بیشتری به سمت جهان ناشناخته‌ی متن ادبی می‌گشاید و با دیدی دقیق و علمی تحلیلگر متن را تجهیز می‌کند.

البته باید در نظر داشت که زبان‌شناسی خود علمی است گسترده که شامل نظریه‌ها و رویکردهای گوناگون می‌شود.

در زبان‌شناسی امروز سه دیدگاه عمده وجود دارد که هر یک از نقطه نظر خاص خود زبان را مورد بررسی قرار می‌دهند. این سه دیدگاه عبارتند از: زبان‌شناسی صورت‌گرا، زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی نقش‌گرا. از این میان «زبان‌شناسی نقش‌گرا که با قبول اصول ساخت‌گرایی بر نقش زبان و نقش واحدهای ساختاری زبان تأکید می‌کند، از جهات بسیار، مناسب مطالعات ادبی است؛ از جمله: یکی از این جهت که زبان‌شناسی نقش‌گرا به جنبه‌های خاص و ممتاز و وابسته به متن هر جمله نیز عنایت خاص دارد و نیز از این جهت که به دلیل همین حساسیتی که به ویژگی‌های خاص جمله و به تناسب آن با محیط پیرامونش نشان می‌دهد خواه ناخواه به وجود ساخت بزرگ‌تر از ساخت جمله نیز قائل است و آن ساخت متن است و سومین چیزی که به جهت آن زبان‌شناسی نقش‌گرا مناسب مطالعات ادبی می‌شود این است که این نوع خاص از زبان‌شناسی گذشته از دو لایه‌ی ساختار جمله و متن، لایه‌ی ساختاری سومی هم دارد که از آن به نام گفتمان یاد می‌کنیم.» (حق‌شناس، ۱۳۹۰: ۷۶-۷۷)

از نظر راجر فالرنیز نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرا بهترین ابزار برای مطالعه ادبیات است. او معتقد است «الگویی که برای بررسی ادبیات مناسب است باید دارای این ویژگی‌ها باشد. الف) باید تبیین جامعی از تمام ابعاد ساختار زبانی متن -به‌ویژه کاربردی آن- به دست دهد. ب) باید بتواند تبیینی از کارکردهای ساخت‌های زبانی مفروض (درمتون واقعی) به دست دهد. به‌ویژه کارکردی که موجب شکل‌گیری اندیشه در ذهن خواننده می‌شود (یعنی همان کارکردی که هلیدی کارکرد انگار ساختی می‌نامد) و ج) باید تصدیق کند که معانی متن در بنیانی اجتماعی شکل می‌گیرد.» (فالر، ۲: ۱۳۹۰)

بنابراین زبان‌شناسی نقش‌گرا با داشتن این ویژگی‌ها می‌تواند در مطالعه‌ی ادبیات سودمند واقع شود. این پژوهش نیز به بررسی سبک‌شناسی مقایسه‌ای کتاب تمهیدات که از آثار عین‌القضات می‌باشد و کتاب لویح که به او منتسب شده است با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا می‌پردازد.

بالین‌همه لازم می‌نماید که در ابتدای امر نکاتی را یادآور شوم؛ از جمله اینکه نظریه نقش‌گرا هلیدی به دستور زبان انگلیسی متعلق بوده و از این‌رو انطباق کامل آن با زبان فارسی محقق‌شدنی نیست. از طرفی دستور زبان فارسی هنوز دارای نقایص، تشتت آرا و عدم وضوح کافی است. البته این به این معنا نیست که زبان سترگ فارسی نقص داشته باشد بلکه این امر بیش‌تر به دلیل بی‌توجهی دستورنویسان و زبان‌شناسان و همچنین عدم اتفاق نظر آنان درباره ساختمان دستور زبان فارسی است.

۱-۲ بیان مسئله

سبک‌شناسی در ایران به‌عنوان دانشی مستقل قدمت چندانی ندارد و در واقع با انتشار کتاب ارزشمند سبک‌شناسی محمدتقی بهار آغاز می‌شود. گرچه در تاریخ ادبیات فارسی همیشه شیوه‌ی بیان مورد توجه ادیبان و بلاغیان بوده است؛ اما استخراج روشی خاص برای مطالعه متون که از آن با عنوان دانش سبک‌شناسی یاد می‌شود هیچ‌گاه در زبان و ادبیات فارسی مورد بحث و بررسی واقع نشده است. سبک‌شناسی متون فارسی از زمان انتشار کتاب بهار عموماً به همان روش یعنی توصیف مختصات ادبی، فکری و زبانی محدود بوده است. این نوع سبک‌شناسی برای توصیف دقیق متن و نشان دادن ابعاد گوناگون آن بسیار کارآمد است؛ اما نقص این شیوه از سبک‌شناسی محدود ماندن به توصیف ظاهری و ناتوانی در شرح چگونگی‌گزینه‌ی سبکی، عوامل مؤثر بر ایجاد سبک و در نهایت تحلیل داده‌های اولیه است. در واقع سبک‌شناسی سنتی در همان پله اول که استخراج ویژگی‌های خاص یک متن باشد متوقف می‌شود و گویی سبک‌شناس را در نیمه‌راه رها می‌کند. این در حالی است که سبک‌شناسی نوین با کمک دانش و ابزار علوم دیگری چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی و... به کمک سبک‌شناس می‌آید و او را یاری می‌کند تا در ارائه تحلیلی درست از داده‌های اولیه موفق شود. در خوانش‌های نوین متن، سبک‌شناس با توجه به سرشت متن و عوامل محیطی، بافت اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسنده به تحلیل متن دست می‌زند و به این وسیله خواننده را در یافتن زوایای پنهان متن یاری می‌کند.

در این‌بین تحلیل سبک‌شناختی متون ادبی به دلیل داشتن سرشتی خاص و ماهیتی هنری همواره از دشواری‌های خاص برخوردار است. «در مباحث زبان‌شناسی آنچه موجب تمایز زبان ادبی از زبان عادی می‌شود، نوع کاربرد و نقش زبان در ادبیات با ارتباطات روزمره (زبان ارجاعی) است. تفاوت‌های این دو قلمرو زبان هم در نوع کاربرد نشانه‌هاست و هم در نقش متفاوتی که زبان در دو گفتمان ادبی و گفتمان ارتباطی بر عهده دارد. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۶۷)

«همه‌ی ما نیک آگاهییم که در ارتباط روزمره، زبان برای ارجاع به همه‌ی چیزهای متعلق به جهان مادی پیرامون به کار می‌رود. در این حالت، کاربرد زبان امری موقت است، زیرا پس از تشخیص آن چیزها، خود زبان را فراموش می‌کنیم البته این‌گونه استفاده از زبان جهت برقراری ارتباط اثرمند و ثمربخش کاملاً طبیعی است؛

اما هنگامی که زبان به بافت اجتماعی روزمره اشاره ندارد، دیگر با شرایط متفاوت روبه‌رو خواهیم بود. این امر در مورد متن‌های ادبی صدق می‌کند که در آن‌ها زبان فقط وسیله‌ای برای ایجاد بافت تخیلی است. آنگاه است که زبان به عامل ثابتی تبدیل می‌شود که برای به یاد آوردن تصوره‌های خود به آن بازگردیم. «وردانک، ۱۳۸۹: ۳۲-۳۳»

زبان صوفیه نیز به دلیل همین ویژگی یعنی ارجاع به جهانی غیر از جهان مادی دارای ویژگی‌های زبان ادبی است. «در شعر و در هنر و در قلمرو تجربه دینی و تجربه‌ی عاطفی ما با ساخت عاطفی زبان سروکار داریم، به زبان عطار بزرگ با زبان معرفت سخن می‌گوییم و از زبان معرفت می‌شنویم نه زبان علم که قلمرو زبان ارجاعی است.» (شفیعی، ۱۳۹۰: ۳۲)

درواقع زبان صوفیه یکی از پیچیده‌ترین نوع زبان ادبی در ادبیات فارسی محسوب می‌شود. زبانی که گاه در هنجار گریزی و هنجارشکنی به مرز نامعنایی می‌رسد. «کوششی که عارفان بزرگ، در شکستن عادت‌ها داشته‌اند، عملاً همان کاری است که هنرمندان بزرگ، نقاشان، شاعران، آهنگسازان و... در عرصه‌ی خلاقیت خود انجام می‌دهند و عادت‌ها را می‌زدایند. حافظ در زبان شعر عادت ستیزی می‌کند و بایزید در زبان نثر. مقامات مشایخ بزرگ تصوف، مجموعه‌ی بیکرانی است از این عادت ستیزی‌ها.» (همان: ۸۸)

تصوف به فراخور موضوع مورد بحث خود و هم از آن جهت که همواره مورد غضب دستگاه فکری عالمان قشری بوده هر چه بیشتر به پیچیده گویی و رمزی بودن گرایش یافته است. از این رو تحلیل یک متن ادبی عرفانی با دشواری‌های بیشتری روبه‌رو است. از این میان عین القضاة در سخنوری و عادت گریزی و هنجارشکنی دز میان عرفا مقامی خاص دارد. در واقع عادت گریزی و هنجارشکنی زبانی از سوی او امری بدیهی است؛ زیرا او که همه‌ی عرصه‌های مذهبی، آداب فردی و خصلت‌های اجتماعی را به عادت گریزی می‌کشانده؛ عجیب نیست اگر به عادت‌شکنی در صورت کلام بپردازد. او در این مسیر حتی تعبیر و مفاهیم عرفانی را دگرگون می‌کند و مفاهیم خاص صوفیه را با زبانی تازه و به دور از کلیشه‌های عادی صوفیه بیان می‌کند و این توسعه اندیشه باعث غنای واژگانی متصوفه نیز می‌شود. با وجود آنکه مفاهیم بکار رفته در آثار این اندیشمندان برگرفته از تعلیمات مشایخ خراسان و ولایت جبال و عراق است؛ اما زبان و فکر وی شخصی منحصر به فرد دارد و از این رو سبک شخصی وی به وضوح قابل تشخیص است. علاوه بر اینکه زبان عین القضاة زبانی عرفانی است؛ در بسیاری از مواقع نقش وی به یک منتقد اجتماعی تغییر می‌یابد و در این موارد زبان وی کاملاً صریح و بی‌پروا است. گویی یک بیانیه‌ی اجتماعی است که با ظرافت و دقتی خاص برای اعمال نفوذ در ذهن خوانندگان نگارش یافته است. از این رو سبک شناس برای نشان دادن این قابلیت‌های منحصر به فرد و یگانه‌ی کلامی علاوه بر مطالعه متن آثار قاضی نیازمند درک جهان خاص قاضی نیز هست و این میسر نمی‌شود مگر با بررسی موقعیت فرهنگی و تاریخی و اجتماعی که عین القضاة در بستر آن رشد کرده و به شکوفایی زبانی و فکری دست پیدا کرده است. این بررسی‌های جامعه‌شناختی در تحلیل زبان قاضی آنجا اهمیت می‌یابد که با مطالعه آثارش درمی‌یابیم تصوف شخصی به هیچ وجه مورد توجه قاضی نیست تصوف وی آیینی است برای اصلاح نظام اجتماعی.

از نظرگاه زبان‌شناسی نقش‌گرا نیز «متن که به‌واسطه‌ی آن ارتباط صورت می‌گیرد، جای گفت‌وگو و کنش متقابل آواهای گوناگون جامعه است، و به تناسب نقش اجتماعی و ارتباطی هر فرد و هر آوا ویژگی‌های سبکی، گونه‌ای و گویشی خاص را به نمایش می‌گذارد. اینک زبان، زبانی مکالمه‌گون است و سرشتی متکثر و چندآوایی دارد.» (مهاجرنوی، ۱۳۷۶: ۱۹)

درواقع از دیدگاه فالر نیز «زآنجا که زبان، خود، ریشه در مقتضیات جامعه‌ای دارد که در آن پا گرفته است و عمل می‌کند، درواقع بازنمودی اجتماعی از جهان را رمزگذاری می‌کند.» (همان: ۲۰)

زبان‌شناسی سیستمی یا نقش‌گرا که در چارچوب زبان‌شناسی نو-فرئی شکل گرفت از این باور بنیادین آغاز می‌کند که زبان ابزاری است برای انتقال معنی و برقراری ارتباط میان افراد یک جامعه در نتیجه، زبان نهادی اجتماعی و بخشی از نظام اجتماعی است. در این راستا، زبان‌شناسی همچون شاخه‌ای از جامعه‌شناسی به بررسی آن دسته از کنش‌های اجتماعی می‌پردازد که مبتنی‌اند بر انتقال معنی به‌واسطه‌ی زبان. این معنی، خود مبتنی است بر کنش متقابل عناصر موجود در هر موقعیت مشخص، یعنی زمان و مکان برقراری ارتباط، عناصر صحنه‌ی ارتباط، آدمیان درگیر در ارتباط، روابط اجتماعی میان آن‌ها و متون مشخصی که ارتباط به‌واسطه‌ی آن‌ها صورت می‌گیرد. بنابراین، برای تبیین معنا همه‌ی عناصر نقش‌مند و معنی‌دار این موقعیت محاسبه می‌شوند.

به همین دلیل و در همین راستا نظریه‌ی زبان‌شناسی نقش‌گرا به دلیل تاکید بر بافت اجتماعی متن برای بررسی آثار عین القضاة همدانی بسیار مناسب جلوه می‌کند. این رساله با این رویکرد سعی دارد ویژگی‌های زبانی خاص این دو اثر را به دست داده و سپس در مورد صحت انتساب رساله لویح به عین القضاة به داوری بنشیند.

۱-۳ ضرورت پژوهش

به‌طور کلی سبک‌شناسی در بین پژوهش‌های ادبی مهجور واقع شده است. به‌طوری که در این زمینه تعداد مقالات و پایان‌نامه‌ها و کتاب‌ها بسیار انگشت‌شمار است. شاید یکی از دلایل این امر خشک و مکانیزه بودن روش انجام پژوهش سبک‌شناسی است. سبک‌شناسی مستلزم بسامد گیری و آمارگیری در ابعاد وسیع است که این امر برای پژوهشگر علوم انسانی و به‌خصوص ادبیات جذابیت لازم را ندارد. علاوه بر این‌ها همان تعداد محدود هم شامل سبک‌شناسی به شیوه‌ی سنتی است که امروزه کمتر مورد استناد است. ادبیات فارسی نیز مانند هر علمی نیازمند نو شدن و به‌روز آوریست و این امر محقق نمی‌شود مگر با به‌کارگیری نظریات و رویکردهای جدید. درواقع اگر ادبیات از ورود به این ساحت‌های جدید بیرهیزد سرنوشتی جز انحطاط تدریجی نخواهد داشت. بنابراین انجام پژوهش‌های سبک‌شناسی با روش‌های جدید و روزآمد ضروری به نظر می‌رسد. دلیل دیگر ضرورت انجام چنین پژوهشی توصیف سبک شخصی عین القضاة است. این نویسنده یکی از

بزرگ‌ترین و جریان ساز ترین نویسندگان ادبیات فارسی است و بسیار ضروری است که آثار متعلق به این نویسنده از آثار منسوب بازشناخته شود. یک از این آثار منسوب رساله لوایح است که به شیوه و تقلید سوانح العشاق احمد غزالی نگارش یافته انتساب این اثر از لحاظ تاریخی به عین القضاة مردود دانسته شده است اما متأسفانه درزمینه‌ی سبک شناسی هیچ تلاشی برای رد این انتساب صورت نگرفته است. بنابراین مقدمات انجام چنین پژوهشی ضروری می‌نمود.

۴-۱ سؤالات پژوهش

- ۱- نثر تمهیدات بر اساس زبان‌شناسی نقش‌گرا دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۲- نثر لوایح بر اساس رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۳- بر اساس یافته‌ها و تحلیل‌های پژوهش انتساب لوایح به عین القضاة از منظر زبان‌شناسی نقش‌گرا تا چه میزان صحیح است؟

۵-۱ فرضیه‌های پژوهش

- ۱- در بررسی‌های فرانش متنی در حوزه ساخت آغازبخش و پایان‌بخش باید گفت که از ویژگی‌های نثر عین القضاة نشان‌دار بودن بندها و تغییر مکان عناصر جمله به فراخور موضوع و میزان تأثیر و تأکید بر مطلب مورد نظر نویسنده است.
- ۲- در بررسی‌های فرانش متنی در حوزه ساخت آغازبخش و پایان‌بخش باید گفت که از ویژگی‌های متن لوایح بی‌نشان بودن بندهاست و اگر جابجایی در عناصر جملات است به سبب رعایت سجع کلام می‌باشد.
- ۳- فرض محقق این است که علاوه بر دلایل تاریخی و نسخه‌شناسی در رد انتساب لوایح به عین القضاة، این متن با دلایل سبک‌شناسی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا نیز دارای سبکی کاملاً متمایز از سبک عین القضاة است و انتساب این اثر به وی صحت ندارد.

۱-۶ پیشینه پژوهش

در زمینه‌ی سبک‌شناسی در ایران تاکنون کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی چند نگاشته شده که در ادامه آثاری که در ارتباط با موضوع این پژوهش است به صورت مختصر معرفی می‌شود.

کتاب‌ها

سبک‌شناسی بهار، محمدتقی بهار: این کتاب تاریخ تطور نثر فارسی را از آغاز تا دوره‌ی مشروطه دربرمی‌گیرد. این کتاب که در واقع برای تدریس در دوره‌ی دکتری دانشگاه تهران تألیف شد از زمان انتشار تاکنون یکی از کتب مرجع در زمینه‌ی سبک‌شناسی محسوب می‌شود. این کتاب در سه جلد تألیف و تدوین نموده است که به‌نوعی تاریخ زبان فارسی را نیز در آن نشان می‌دهد. جلد اول در ارتباط با بحث‌های تاریخی زبان، خط میخی، کتیبه‌ها و سبک نگارش فارسی باستان است. در جلد دوم این کتاب به سبک نگارش ادبیات فارسی بعد از اسلام از قرن دوم تا ششم پرداخته است. در نهایت جلد سوم شامل ادوار نثر فارسی از قرن هفتم تا زمان نویسنده می‌شود. این کتاب به دلیل اشراف کامل نگارنده‌اش بر زبان و ادبیات فارسی و هم‌دقت و ظرافت در جمع‌آوری اطلاعات و شواهد حائز اهمیت است. در این کتاب تکیه و تأکید مولف بیشتر بر توصیف ویژگی‌های دستوری است و به معنا، مضمون و پیوند اندیشه و سبک کمتر پرداخته شده است. کتاب سبک‌شناسی بهار به‌عنوان نقطه آغاز سبک‌شناسی مدون دارای مقام و مرتبه‌ی خاصی در پژوهش‌های ادبیات فارسی است.

فن نثر در ادب پارسی، حسین خطیبی: حسین خطیبی شاگرد محمدتقی بهار است و این کتاب را در دو بخش تألیف کرده است بخش اول شامل تاریخ تطور نثر فارسی از آغاز تا قرن هفتم است و بخش دوم به نقد نثر و اقسام آن در طی چهار قرن نخست پرداخته است. او در این کتاب مختصات لفظی و معنایی کتاب‌های نثر فارسی را بررسی کرده؛ ولی او نیز همچون استاد خود بیشتر بر صورت کلام متمرکز بوده و از بحث‌های تحلیلی سبک‌شناسی و محتوایی این آثار غافل مانده است.

سبک‌شناسی نثر، سیروس شمیسا: شمیسا کتاب خود را برای تدریس به دانشجویان مقطع کارشناسی نگاشته است. او در این کتاب سیر تاریخی زبان فارسی را معرفی می‌کند و با تقسیم‌بندی سبک‌های فارسی به مرسل، بینابین، فنی، دوره جدید و معاصر ذیل هر کدام به معرفی کتاب‌های مربوط به هر سبک پرداخته و با آوردن شاهد مثال به ملموس کردن مختصات سبکی خاص هر یک اقدام کرده است. کتاب شمیسا برای تدریس به دانشجویان ترم پایین مناسب است؛ اما از منظر سبک‌شناسی دارای ایراداتی اساسی است زیرا قسمت اعظم کتاب به توضیح واضح‌ات و بحث‌های تاریخی ادبیاتی پرداخته شده و قسمتی که شامل توصیف ویژگی‌های سبکی باشد در مقایسه با حجم کلی کتاب بسیار اندک می‌باشد علاوه بر این مانند موارد پیشین این کتاب نیز عاری از تحلیل‌های سبک‌شناسی است.

سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه ، محمد غلامرضایی: این کتاب شامل توصیف ویژگی‌های سبک شناختی کتب نثر عرفانی از قرن پنجم تا اوایل قرن هشتم است و در آن صد و بیست و هشت کتاب عرفانی دنقد و بررسی شده است. این کتاب نیز به شیوه‌ای نزدیک به تاریخ ادبیات نگارش یافته و بخشی از آن به ویژگی‌های بلاغی کتب عرفانی اختصاص یافته است

سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها ، و روش‌ها) ، محمود فتوحی: فتوحی این کتاب را که ترجمه گونه‌ای از کتاب سبک‌شناسی سیمپسون است، در معرفی سبک‌شناسی نوین نوشته است. این کتاب از دو بخش مجزا تشکیل می‌شود. فتوحی در بخش نخست به بررسی مفهوم سبک، تاریخچه‌ی آن و روش‌ها و رویکردهای نوین سبک‌شناسی پرداخته که از آن با عنوان سبک‌شناسی نظری یاد کرده است و بخش دوم به مسائل پایه در سبک‌شناسی و ارائه روشی خاص در تحلیل متون، تحت عنوان سبک‌شناسی عملی اختصاص دارد. این کتاب از این جهت که رویکردهای نوین سبک‌شناسی را برای بار نخست به خواننده‌ی زبان فارسی معرفی می‌کند حائز اهمیت است .

به سوی زبان‌شناسی شعر (رهیافتی نقش‌گرا) ،مهران مهاجر ،محمد نبوی: این کتاب اثر مهران مهاجر و محمد نبوی است که به بحث و بررسی زبان شعر از دیدگاه نقش‌گرا می‌پردازد. بخش نخست کتاب شامل مباحثی در زمینه‌ی ادبیات، زبان‌شناسی و منحصراً در توضیح مبانی نظریه‌ی زبان‌شناسی نقش‌گرا از جمله بافت است. در بخش دوم کتاب ضمن اشاره به نمونه‌هایی از شعر معاصر فارسی روش تحلیل زبان‌شناسی نقش‌گرا را بر روی این نمونه‌ها به خوبی نشان می‌دهد . این کتاب در توضیح مبانی نظریه‌های نقش‌گرا بسیار موفق عمل کرده و به دلیل نشان دادن نمونه‌های عینی تحلیل برای انجام پژوهش‌هایی از این دست بسیار راهگشاست. علاوه بر این اثر یادشده از معدود کتاب‌هایی است که به زبان فارسی در مورد زبان‌شناسی نقش‌گرا نوشته شده است .

پایان‌نامه‌ها

پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «مقایسه‌ی سبک فیه مافیه و مکتوبات مولانا جلال الدین بلخی در مقوله‌های نحوی (با رویکرد کارکردگرا)» از سیاوش گودرزی .

این پایان‌نامه تقریباً مرتبط‌ترین پایان‌نامه با موضوع این پژوهش است .در این پایان‌نامه ابتدا به تشریح جزءبه‌جزء عنوان پژوهش پرداخته شده است و سپس مبانی نظری پژوهش و روش کار شرح شده و فصل آخر به تحلیل مکتوبات مولانا و فیه ما فیه اختصاص دارد. تسلط نویسنده بر منابع فارسی و انگلیسی و نظم مشخص فکری وی یکی از نقاط قوت این پایان‌نامه است. اهمیت این پایان‌نامه از این بابت است که با رویکرد نقش‌گرا و با داده‌ها و یافته‌های سبک شناختی، مخاطب بسیاری از نامه‌های مولانا که نامعلوم بوده‌اند، مشخص کرده است و از این جهت کاربردی بودن این روش در مطالعه متون ادبیات اثبات می‌شود. از نقایص این رساله می‌توان به نحوه‌ی ارائه تحلیل‌های سبک‌شناختی یاد کرد که دارای پیچیدگی و نیازمند صرف وقت بسیار است.

پایان نامه دکتری با عنوان «بررسی انتقادی سبک‌شناسی در ایران و پیشنهاد اصول سبک‌شناسی (با تأکید بر کتاب سبک‌شناسی پاول سیمپسون)» از فاطمه کرد چگینی

نویسنده در این اثر با ترجمه کتاب سیمپسون مفاهیم اساسی سبک‌شناسی را ارائه داده؛ برخی موضوعات در این زمینه را شرح کرده و در بخشی مجزا به بررسی و انطباق سبکی این نظریات بر نمونه‌هایی از شعر و نثر پرداخته است. این پایان‌نامه در ارائه مفاهیم و تعریفات در حوزه سبک‌شناسی بسیار سودمند است؛ اما از مختصر بودن بخش تحلیل و عملی این رساله و توجه بیشتر به مبانی نظری از نقاط ضعف آن محسوب می‌شود.

پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تحلیل گفتمان سوانح العشاق و عبهر عاشقین (با تکیه بر نموده‌های زبانی بافت فرهنگی)» از آزاده شریفی .

این پایان‌نامه نیز به دلیل تعلق به حوزه‌ی تحلیل گفتمان از منظر سبک‌شناسی نقش‌گرا نیز درخور توجه است. فصل‌هایی از این پایان‌نامه به مقایسه‌ی سبک‌شناسی این دو اثر بر اساس تقسیم‌بندی فرآیند فعل در زبان-شناسی نقش‌گرا اختصاص یافته است. همچنین مطالعه‌ی آن برای آشنایی با گفتمان تصوف قرن ششم بسیار سودمند است. اشتغال این پایان‌نامه بر مطالب گوناگون زبان‌شناسی از نقاط قوت آن محسوب می‌شود.

پایان نامه دکترا با عنوان «توصیف و تحلیل نقش‌گرا آغازگر از منظر رویکرد هلیدی در کتاب‌های فارسی و انشاهای دانش‌آموزان دبستان» از فرزین فهیم نیا

این پایان‌نامه به‌ضرورت توجه به رویکردهای زبان‌شناسی در تدوین کتب درسی می‌پردازد و با روش پژوهش میدانی بر روی تمام متن کتاب‌های درسی سال چهارم و پنجم دبستان و انشای حدود ۲۷۳ دانش‌آموز دختر و پسر انجام گرفته است. در این پژوهش انواع آغازگر دربندهای پایه و پیرو از لحاظ نشان‌داری و ساده و مرکب بودن و همچنین انواع توالی در آغازگرهای مرکب مورد بررسی قرار گرفته است. ضعف این پژوهش نبود شیوه داده‌های تحلیل شده است؛ به‌طوری که نویسنده صرفاً به بیان ارقام و ذکر جدول بسنده کرده است.

پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «از زبان تا شعر (یک رهیافت زبان‌شناختی)» از محمد نبوی.

این رساله جستجویی است در چارچوب زبان‌شناسی سازگانی که به بررسی ژانر شعر می‌پردازد. بخش اول مروری است بر پیشینه‌ی شعر فارسی و اندیشه پردازی پیرامون آن در ایران و بخش دوم خوانشی است از شالوده‌های نظری زبان‌شناسی سازگانی و بخش سوم به آزمون نگرشی اختصاص دارد و بخش آخر دربردارنده‌ی کوششی است برای فهم "شعر همچون فرایند". اهمیت این پایان‌نامه سعی در خوانش شعر به‌عنوان پدیده‌ای زبانی و پیوند ادبیات و زبان‌شناسی است. موضوع این پایان‌نامه متفاوت با رساله حاضر است و فقط به دلیل تحلیل‌های زبان‌شناختی و انطباق نظریه بر شعر فارسی مطالعه شده است.

پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی اشعار سهراب سپهری از دیدگاه زبان‌شناسی» از مریم توسلی

مطالب این پایان نامه در ۵ فصل ارائه شده است. فصل اول مروری است بر کارهای انجام شده در مورد سهراب سپهری. فصل دوم مروری است بر انواع نقد، ادبیات، شعر و رابطه‌ی آن با زبان. در فصل سوم اصول و مبانی رساله که بر اساس زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی می‌باشد مطرح شده و در فصل چهارم با انتخاب اشعاری از سهراب سپهری به اعمال نظریه بر روی این آثار پرداخته شده است. روشن نبودن و عدم وضوح تحلیل‌های سبک‌شناختی و همچنین فقدان تحلیل داده‌های سبک‌شناسی از نقایص کار این پژوهش به حساب می‌آید.

پایان نامه ارشد با عنوان «طبقه‌بندی نحوی - معنایی افعال زبان فارسی» از مریم السادات غیاثیان

این رساله در چارچوب دستور نظام‌مند هلیدی به طبقه‌بندی افعال زبان فارسی می‌پردازد. این پژوهش با تکیه بر فرانقش تجربی به تشریح و اعمال این فرانقش بر داده‌های زبان فارسی می‌پردازد. در پایان نیز نویسنده نتیجه گرفته است که تقسیم‌بندی هلیدی در مورد فرایند افعال در زبان فارسی با اختلافات جزئی قابل اجراست. این رساله از لحاظ بررسی فرایند افعال در زبان فارسی حائز اهمیت است.

مقالات

علاوه بر این‌ها مقالاتی نیز در این راستا منتشر شده است که به معرفی آن‌ها اکتفا می‌شود.

سبک نگارش تمهیدات/ عین القضاة بر پایه احوال مخاطب / فاطمه مدرسی ، مریم عرب / فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی / سال چهارم - شماره اول / بهار ۱۳۹۰

لوايح / از کیست / محمد شادروی منش / مجله مطالعات عرفانی / ۱۳۸۸

بررسی سبک رساله‌ی عشقیه / الهام صادقی ، ذبیح‌الله فتحی فتح ، مهدی فاموری / فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی / سال چهارم - شماره چهارم / زمستان ۱۳۹۰

سبک داستان بر اساس فعل: رویکرد نقش‌گرا / فردوس آقا گل زاده ، عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا ، حسین رضویان / فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی / سال چهارم - شماره اول / بهار ۱۳۹۰

بررسی ساخت مبتدایی در توالی سازه‌های فارسی به منظور برجسته‌سازی / محمدرضا پهلوان نژاد ، مقالات چهارمین همایش پژوهش‌های زبان و ادب فارسی / اردیبهشت ۱۳۷۸

بررسی انسجام و پیوستگی در سوره‌ی صف با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا / طاهره ایشانی ، معصومه نعمتی قزوینی / مجله علمی پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عرب / شماره ۲۷ / تابستان ۱۳۹۲

۱-۷ تعریف مفاهیم بنیادین پژوهش

سبک‌شناسی: مانند زبان‌شناسی و معناشناسی، علمی تحلیلی است که جنبه‌های بیانی زبان را، اعم از آواشناسی، عروض، ساخت‌واژه، نحو و لغت‌شناسی، دربرمی‌گیرد. (Cuddon.1999:872)

زبان‌شناسی نقش‌گرا: شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که در آن عناصر زبانی به واسطه‌ی نقش‌شان در نظام زبان و دریافت ارتباطی تعریف می‌شوند. (مهاجرو نبوی، ۱۳۷۶: ۲)

تمهیدات: کتابی عرفانی از عین‌القضات همدانی که در ده فصل نوشته شده است.

لوايح: کتابی عرفانی است که به تقلید از سوانح العشاق احمد غزالی نوشته شده و به عین‌القضات همدانی نسبت داده شده است.

۱-۸ ساختار پژوهش

این رساله در چهار فصل نوشته شده است. بخش اول به کلیات پژوهش اختصاص دارد. فصل دوم نگاهی کوتاه است به زندگی و افکار و آثار عین‌القضات؛ هدف از نگارش این فصل آشنایی با حوزه‌ی اندیشه قاضی و همچنین معرفی خاص دو کتاب موردبررسی این رساله و آشنایی با اوضاع سیاسی عصر عین‌القضات است.

فصل سوم شامل توضیح مبانی نظری پژوهش است. در این فصل به بررسی مفهوم سبک، تاریخچه‌ی آن و همچنین معرفی سبک‌شناسی بر پایه‌ی زبان‌شناسی پرداخته می‌شود علاوه بر آن زبان‌شناسی نقش‌گرا و مبانی مورد مطالعه در این پژوهش بسط داده شده است.

بخش آخر به تحلیل داده‌های سبک‌شناختی و اعمال نظریه بر متن‌های تمهیدات و لوايح اختصاص دارد و در پایان نتیجه‌ی این مقایسه بیان می‌شود.

فصل دوم: درباره‌ی عین القضاة

۲-۱ زندگینامه

از زندگینامه این عارف شوریده حال همدانی اطلاعات چندانی نداریم و اطلاعات مختصری که از وی در دسترس است همان مطالبی است که خود در لابه‌لای آثارش و بخصوص در کتاب شکوی الغریب آورده است. اکثر مورخان همچون عماد اصفهانی نامش را ابو المعالی عبدالله بن ابی‌بکر محمد بن علی بن الحسن بن علی المیانجی ذکر کرده‌اند. لقبش عین القضاة است و «این عنوان را مسلماً قبل از بیست‌وهشت‌سالگی دارا بوده» (عین القضاة (الف)، ۱۳۸۹: ۴۶ مقدمه)

وی در سال ۴۹۲ ه.ق در همدان زاده شده و علوم ابتدائی را نزد پدرش فراگرفته است. از گفته‌های او می‌توان حدس زد که در کودکی و نوجوانی نبوغ خاصی در فراگیری علوم و دریافت مفاهیم روحانی و فلسفی داشته به‌نحوی که پیش از بیست‌ویک‌سالگی کتب بسیاری در زمینه‌های مختلف تألیف کرده است. او در رساله‌ی شکوی الغریب در این مورد چنین می‌گوید: «درحالی که نوس بودم و برای بیست‌سالگان و بالاتر شیرخواره می‌نمودم کتاب‌هایی نوشته‌ام که پنجاه و شصت‌سالگان از فهم آن‌ها ناتوان‌اند تا چه رسد به تألیف و تصنیف آن‌ها» (عین القضاة، ۱۳۸۹ ب: ۱۳۷) این نبوغ در نوآوری‌های فکری و فلسفی عین القضاة کاملاً مشهود است و اگر اعدام زودهنگامش نبود قطعاً می‌توانست به پیشرفت‌های بیشتری در این زمینه دست یابد.

آنچه از گفته‌های عین القضاة برمی‌آید این است که تا بیست و یک‌سالگی مشغول کسب علم و معرفت در زمینه‌های مختلف و به همه‌ی دانش‌های زمان خویش مسلط بوده است. او به واسطه‌ی پدرش با تصوف نیز آشنایی داشته و در مجالس خاص متصوفه حضور پیدا می‌کرده و آن‌طور که خود اشاره می‌کند در حدود همین سال‌ها- یعنی بیست‌ویک‌سالگی تا بیست‌وچهارسالگی- حالات مکاشفه و غیبی بر وی جلوه می‌کرده است. «من در روزگاری که آن رساله را نوشتم بیست‌ویک‌ساله بودم و اکنون بیست‌وچهارساله‌ام و رحمت ازلی در این سه سال انواع معارف غیبی را افاضه فرمود و احوال گران‌قدری از کشف بر من طاری شد که شرح و وصف آن دشوار است و بیشتر آن در عالمی که نطق با حروف و الفاظ صورت می‌گیرد، غیرقابل‌تعبیر است.» (عین القضاة، ۱۳۷۹، الف: ۳)

بامطالعه‌ی کتب عین القضاة مشخص می‌شود که او نیز همچون مولانا، سنایی و دیگر بزرگان تصوف در دوره‌ای خاص، تحولی فکری و روحانی را تجربه کرده است. این تحول فکری آن‌طور که خود اشاره می‌کند مدیون آشنایی با احمد غزالی است. این دیدار کوتاه در همدان رخ می‌دهد و طی آن مشکلات فکری و فلسفی مخصوصاً واقعه‌ای که قاضی آن را کامل شرح نمی‌کند، توسط احمد غزالی حل می‌شود. عین القضاة این ملاقات را چنین توصیف می‌کند: «چشم بصیرت اندک‌اندک باز می‌شد، و من در آن احوال بر رهزنان راه که مرا از رسیدن به آنچه ورای علوم بود باز می‌داشتند واقف شدم و در این کار نزدیک به یک سال نیز سپری شد و من بر حقیقت واقعه‌ای که در این یک سال برایم رخ داده بود وقوف نیافتم، تا مولا و سرور من شیخ امام بزرگوار،